



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 30. No 4. Winter 2024

Received date: 2023.09.20

Acceptance date: 2023.11.25



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1402.30.4.7.6

The Factors Affecting the Strategic Partnership Between Iran and Russia in Syria

Reza Mahmoud Oghli¹, Hossein Rouhani², Seyed Ali Mortazavi Emami Zavareh³,
Samira Asadbonyad⁴



Abstract

The purpose of this article is to examine the components of the strategic partnership between Iran and Russia in Syria. Strategic partnership is considered as an important aspect of diplomatic engagement to strengthen close ties with strategic allies. Strategic partnerships are formed based on bilateral relations in the international system and allow actors to rebuild common identities and norms in achieving foreign policy goals through strategic cooperation. The strategic cooperation between Iran and Russia after the developments in Syria represents an important development in the foreign relations of the two countries. The two countries, realizing the threat of a common enemy such as America and Western sanctions, are seeking to form strategic cooperation and bring their positions closer to each other. This research, using a descriptive and analytical approach, tries to analyze the opportunities and limitations of the strategic cooperation between Iran and Russia after the developments in Syria. The results showed that these cooperations were in important aspects such as dealing with extremist terrorist groups and reducing the influence of Western institutions in this region and maintaining the territorial integrity of Syria, which can have a great impact on regional and international issues and crises.

Keywords: Strategic Partnership, Geopolitics, Terrorism, Regional Policy.

1 - Associate Professor, Department of Political Science, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.

2 - Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Administrative Sciences Economics, University of Isfahan, Iran.

3 - Assistant Professor, Department of Political Science, Arak University, Arak, Iran.

4 - Master's student in regional studies, Mohaghegh Ardabili University, Ardabil, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۰، شماره ۴، پیاپی (۱۱۴)، زمستان ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۰۴

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۲.۳۰.۴.۷.۶

نوع مقاله: پژوهشی

مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مشارکت استراتژیک ایران و روسیه در سوریه

رضا محموداوغلی^۱، حسین روحانی^۲، سیدعلی مرتضوی امامی زواره^۳، سمیرا اسدبنیاد^۴



چکیده

هدف این نوشتار بررسی مؤلفه‌های مشارکت استراتژیک ایران و روسیه در سوریه می‌باشد. مشارکت استراتژیک به عنوان جنبه مهمی از تعامل دیپلماتیک برای تحکیم پیوندهای نزدیک با متحدان استراتژیک در نظر گرفته می‌شود. مشارکت‌های استراتژیک بر اساس روابط دو جانبه در نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد و به بازیگران اجازه می‌دهد تا در رسیدن به اهداف سیاست خارجی از طریق همکاری‌های استراتژیک، هویت‌ها و هنجارهای مشترکی را بازسازی کنند. همکاری استراتژیک ایران و روسیه در پس تحولات سوریه بیانگر تحول مهم در روابط خارجی دو کشور است. دو کشور با درک تهدید دشمن مشترکی چون آمریکا و تحریم‌های غرب در پی شکل‌گیری همکاری استراتژیک و نزدیک کردن مواضع خود به یکدیگر هستند. این پژوهش با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی سعی در واکاوی فرصت‌ها و محدودیت‌های همکاری استراتژیک ایران و روسیه در پس تحولات سوریه می‌باشد. نتایج نشان داد این همکاری‌ها در جنبه‌های مهمی مانند مقابله با گروه‌های افراطی تروریستی و کاهش نفوذ نهادهای غربی به این منطقه و حفظ تمامیت ارضی سوریه بوده که می‌تواند تأثیرات زیادی بر مسائل و بحران‌های منطقه‌ای و بین‌المللی داشته باشد.

واژگان کلیدی: مشارکت استراتژیک، ژئوپلیتیک، تروریسم، سیاست منطقه‌ای.

۱ - نویسنده مسئول، دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. r_oghli@yahoo.com

۲ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. h.roohani@ase.ui.ac.ir

۳ - استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه اراک، اراک، ایران. Sedaliemami@gmail.com

۴ - دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. s.asadbonyad98@gmail.com

مقدمه

از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی روابط دو جانبه بین فدراسیون روسیه و جمهوری اسلامی ایران دوره‌های متفاوتی را تجربه کرده است. در دو دهه اخیر دو کشور در سطوح مختلف و در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی همکاری‌هایی را در پیش گرفته‌اند. به طوری که سطح کنونی همکاری راهبردی بین ایران و روسیه در پس تحولات سوریه نقطه عطفی تاریخی در روابط دو جانبه این دو کشور به شمار می‌رود. وقوع بحران سوریه به منزله تبدیل شدن سوریه به کانون تقابل قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بود. موقعیت ژئوپلیتیکی و استراتژیکی سوریه باعث شده تا این کشور در کانون درگیری کشورهای قدرتمند قرار بگیرد. بحران سوریه نشان داد که روابط تهران-مسکو فراتر از روابط دو جانبه بوده و می‌تواند تاثیر زیادی بر دیگر کشورها، مناطق و مسائل بین‌المللی داشته باشد. در حالی که برخی از پژوهشگران از ظهور اتحاد منطقه‌ای قوی بین مسکو و تهران بحث می‌کنند، برخی دیگر بر جنبه موقتی این همکاری‌ها تاکید دارند. با توجه به این موارد این پژوهش در صدد پاسخ به این پرسش است که چه فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی در پس همکاری استراتژیک ایران و روسیه در تحولات سوریه وجود دارد و دو کشور با چه محدودیت‌هایی در ایجاد یک مشارکت استراتژیک بلند مدت در سوریه مواجه هستند؟ آیا می‌توان همسویی روسیه و ایران را به‌عنوان یک ابتکار متعادل‌کننده در برابر آمریکا شناسایی کرد؟ در پاسخ به سوالات مطرح شده این فرضیه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که همکاری استراتژیک ایران و روسیه در ژئوپلیتیک سوریه، برای مقابله با تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله مقابله با تروریسم، رادیکالیسم اسلامی (مقابله با داعش) و کاهش نفوذ غرب در منطقه بوده است. این همکاری استراتژیک با موانع و مشکلاتی نیز مانند اهداف متفاوت منطقه‌ای دو کشور، ارتباط روسیه با تمام بازیگران منطقه از جمله رژیم صهیونیستی مواجه هست که می‌تواند در تحکیم و پایداری این همکاری استراتژیک در بلند مدت محدودیت‌هایی را ایجاد کند. این مقاله استدلال می‌کند که همسویی روسیه و ایران را می‌توان بر اساس منافع متقابل و تصورات مشترک تهدید ارزیابی کرد. با توجه به این موارد در این نوشتار با استفاده از رویکرد توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از چارچوب مفهومی «مشارکت استراتژیک» به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های راهبردی در شکل‌دهی به مشارکت استراتژیک در فضای سوریه پرداخته خواهد شد.

پیشینه پژوهش

تا کنون تحقیقات متعددی درباره روابط ایران و روسیه در چارچوب تحولات سوریه انجام گرفته، هر کدام از پژوهش‌ها از منظر متفاوت به مشارکت و سطح همکاری‌های دو کشور در منطقه پرداخته‌اند. برخی از مطالعات از عدم استراتژیک بودن روابط دو کشور در سوریه صحبت کرده‌اند. به طوری که اسعدی و منوری (۱۳۹۸) با تکیه بر مفهوم اتحاد استراتژیک در بررسی روابط ایران و روسیه اشاره می‌کنند که امروز با وجود همکاری بی‌سابقه دو کشور در مواجهه با بحران سوریه و همسویی مواضع در پاره‌ای مسائل، با توجه به تغییرات احتمالی در روابط روسیه و آمریکا و همچنین تداوم فشارهای آمریکا بر ضد ج.ا.ایران، چشم‌انداز روشنی بر ادامه این همکاری قابل تصور نیست. روابط دو کشور ویژگی‌های اتحاد استراتژیک را نداشته و صرفاً واکنشی به شرایط بین‌المللی در موضوعات خاص است. در حقیقت این همکاری باید نوعی همسویی منافع در نظر گرفته شود چرا که محدود و موقتی است و در زمینه‌های خاصی جهت همکاری در برابر تهدیدی غیر دولتی وجود دارد. عزیزی و نجفی (۱۳۹۷) ضمن بررسی اهداف و منافع مسکو و تهران در بحران سوریه، به اختلافات و اشتراکات منافع و اهداف آنها اشاره می‌کنند که قرار گرفتن ایران و روسیه در یک محور در سوریه به معنای اشتراک کامل منافع میان آنها در این بحران نیست و این دو بازیگر بر سر موضوعاتی همچون آینده بشار اسد، حزب‌الله و ساختار سیاسی آینده سوریه اختلافات عمده‌ای با یکدیگر دارند و به همین دلیل باید گفت اگرچه اهداف کوتاه مدت تضمین‌کننده بقای شراکت میان این دو کشور در مدت زمانی کوتاه است، اما در بلند مدت می‌توان انتظار بروز اختلافات اساسی میان آنها را داشت. از دید ترمه (۲۰۱۸) با توجه به عدم تقارن در روابط ایران و روسیه، رابطه دو جانبه هرگز به یک اتحاد یا حتی یک مشارکت استراتژیک تبدیل نشده‌اند. این رابطه را می‌توان یک توافق تاکتیکی بر اساس منافع مشترک اقتصادی و ژئوپلیتیکی نامید (Therme, 2018). نینا ممدووا، رئیس مطالعات ایران در مؤسسه مطالعات شرق مسکو، استدلال می‌کند که تهران و مسکو به جای یک اتحاد استراتژیک، «اجتماعی از منافع ژئوپلیتیکی» داشته‌اند (Mamedova, 2009). نعمت‌الله ایزدی اولین سفیر ایران در روسیه، اشاره کرده‌اند که ایران و روسیه نمی‌توانند روابط استراتژیک داشته باشند. در برخی زمینه‌ها اهداف دو کشور با هم تضاد دارند... با این حال دو کشور می‌توانند بهترین روابط را در بالاترین سطح ممکن داشته باشند. در ادامه تاکید می‌کنند «تهران و مسکو نمی‌توانند متحدان استراتژیک باشند، اما باید برای روابط خود استراتژی داشته باشند»

(Shafei, 2016).

در برخی از مطالعات پیشین، نقش تهدید غرب را باعث نزدیکی روابط دو کشور ایران و روسیه ارزیابی می‌کنند. در این راستا درآینده و احمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران» اشاره می‌کنند که سیاست روسیه در بحران سوریه تلاشی در جهت ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل و مقابله با تهدیدات موجود از طرف غرب و آمریکا بر سر راه امنیت و منافع ملی این کشور است که همسویی مقطعی آن با سیاست‌های ایران تأمین‌کننده منافع ملی ایران می‌باشد ولی با این وجود، اختلاف رویکرد این دو کشور و نوع کنشگری آنها می‌تواند چالش‌هایی را ایجاد نماید. گونای اوغلو (۲۰۲۳) در مقاله‌ای با عنوان «همسویی روسیه و ایران در خاورمیانه: پویایی‌های اصلی و محدودیت‌های همکاری امنیتی دو جانبه» اشاره می‌کند روسیه با وجود حفظ همکاری نزدیک با تهران از دهه ۱۹۹۰، از ایجاد ترتیبات اتحاد بلند مدت و الزام‌آور با ایران اجتناب کرده است. در مقابل، مسکو از روابط خود با ایران به‌عنوان ابزار چانه‌زنی در برابر آمریکا استفاده کرده و هر زمان که روابط روسیه و آمریکا نزدیک‌تر شده باشد، از تهران فاصله گرفته است. در این راستا، همسویی روسیه و ایران نمونه‌ای از «توازن سخت» نیست که مبتنی بر تشکیل اتحاد نظامی و تسلیحات متقابل متکی باشد، می‌توان آن را به‌عنوان یک ابتکار «توازن نرم» شناسایی کرد که بر روش‌های کمتر تقابلی مانند صاف‌بندی غیر رسمی و تولید محدود تسلیحات متکی است و هدف آن مهار رفتار تهدیدآمیز یک دولت رقیب است. از دید وی یکی از محدودیت‌های قابل توجه همسویی روسیه و ایران این است که روسیه با توجه به پتانسیل همکاری با این کشورها در سیاست خارجی، انرژی و صنعت تسلیحات، تمایلی به ریسک روابط خود با اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس به خاطر ایران را ندارد (Guneylioglu, 2023). آدام تاراک (۱۹۹۷) استدلال می‌کند که بهبود روابط ایران و روسیه در اواسط دهه ۱۹۹۰، عمدتاً به دلیل نگرش متقابل به ظاهر شدن به‌عنوان قدرت‌های مستقل در جهانی است که تحت سلطه ایالات متحده قرار دارد. ویتولد رودکیویچ (۲۰۱۹) ادعا می‌کند که مسکو از همکاری خود با ایران برای تقویت موقعیت مذاکره خود در برابر واشینگتن استفاده می‌کند. بر مبنای یافته‌های هلن بلوپلسکی (۲۰۰۹) موضوع ایران روشن‌ترین شواهد را نشان می‌دهد که چگونه عامل ایالات متحده بر استراتژی همسویی روسیه تأثیر می‌گذارد.

بر خلاف این تفاسیر برخی از مطالعات سطح روابط دو کشور را در چارچوب ائتلاف‌ها بررسی کرده‌اند. صادقی و مرادی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل ائتلاف ایران و روسیه در پرتو بحران سوریه» معتقد هستند با وجود برخی تضادها در رویکرد دو کشور، منازعه سوریه بستر مناسبی را برای ائتلاف تهران و مسکو

فراهم آورده است. الکساندر دوگین (۱۹۹۷) ایران را به دلیل ارزش‌های سیاسی سنتی، مخالفت با آمریکا و وهابیت سعودی و دسترسی به اقیانوس هند، ارزشمندترین متحد بالقوه در زمینه سیاست اوراسیاگرایی روسیه می‌داند (Zanatta, 2022: 37). اتحاد بین مسکو و تهران، بر اساس ویژگی‌های اصلی قاره‌ای، ضد آمریکایی و سنت‌گرایانه تمدن‌های آنها، یکی از پایه‌های «مبانی ژئوپلیتیک» دوگین را نشان می‌دهد. به عقیده ژئواستراتژیست روسی، محور مسکو-تهران باید به ایجاد یک منطقه نفوذ ایرانی/روسی در خاورمیانه منجر شود (Dugin, 1997: 137). کوژنوف و دوتکیویچ (۲۰۱۶) در تحلیلی با عنوان «جنگ داخلی در سوریه و سیر تحول روابط ایران و روسیه» استدلال می‌کنند که در حال حاضر تهران و مسکو یک ازدواج مصلحتی را شکل داده‌اند که در آن هر کدام می‌کوشند اهداف خود را از طریق تلاشی مشترک در سوریه تحقق بخشند. به نظر آنها در تداوم این ازدواج مصلحتی، نقش بازیگران ثالث به‌ویژه کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فارس به مراتب پررنگ‌تر از تحولات داخلی در سوریه است. از دید کرمی (۲۰۲۲) دگرگونی نظام‌های سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیک، منطقه‌ای و ساختار نظام بین‌الملل دو دولت ایران و روسیه را در وضعیت ویژه‌ای برای همکاری قرار داده و دوره‌ای از مناسبات را برای دو کشور در دو دهه کنونی فراهم آورده و سه عنصر هویت و ژئوپلیتیک و تهدید در سطوح سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، فضای همکاری لازم را فراهم ساخته‌اند. از دید وی نگاه مشترک ایران و روسیه به اداره نظام بین‌الملل به صورت چند قطبی و مخالفت آنها با یک جانبه‌گرایی آمریکا از جمله مهم‌ترین عوامل ائتلاف دو کشور طی سه دهه اخیر بوده است.

مبانی نظری مشارکت استراتژیک

«مشارکت‌های استراتژیک»^۱ شکل و ویژگی جدیدی از سیستم در حال تحول روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند که پس از دوران جنگ سرد مطرح شده است. مشارکت استراتژیک ابزار مهمی در سیاست خارجی دولت‌های همسو می‌باشد و الگوهای تعامل اجتماعی میان دولت‌ها و سایر بازیگران را از طریق تعامل دیپلماتیک ساختار یافته ایجاد می‌کنند (Michalski, 2019: 7). مشارکت به رابطه «ارتباط بین دو یا چند واحد» و حالت «شریک بودن» اشاره دارد. این مفهوم در روابط بین‌الملل ایده‌هایی مانند «همکاری»، «برابری»، «وفاداری»، «تعهد»، «همبستگی» و «اشتراک‌گذاری» را در بر می‌گیرد. شرکا نه تنها باید هدف و اهداف همکاری را به اشتراک بگذارند، بلکه باید هزینه‌ها و ریسک‌های مرتبط را نیز

بپذیرند. ویژگی «استراتژیک»، اهمیت سیاسی رابطه و زیربنای آن توسط یک طرح جامع که به طور گسترده استراتژی دیده می‌شود و آن را فقط به درک نظامی کلاسیک محدود نمی‌کند، می‌باشد (Blanco, 2015: 62). لوتواک (۱۹۸۷) استدلال می‌کند که «استراتژی» مربوط به علم و هنر به کارگیری نیروهای سیاسی، اقتصادی، روانی، و نظامی یک ملت یا گروهی از کشورها برای حمایت حداکثری از سیاست‌های اتخاذ شده در صلح یا جنگ است. در حالی که Vahl (2001) مشارکت استراتژیک را به عنوان یک رابطه هدف محور تعریف می‌کند، گروی (۲۰۱۰) آن را به عنوان یک رابطه مبتنی بر منافع می‌بیند. از دید ویلکنیز، (۲۰۰۸، ۲۰۱۲) مشارکت‌های استراتژیک را می‌توان به عنوان یک الگویی در یک طبقه‌بندی، دسته‌بندی کرد، که شامل «اتحادها»، «ائتلاف‌ها»، «جامعه امنیتی» و اشکال دیگری مانند «کنسرت»، «معاهده» و «پیمان عدم تعرض» قرار دارد. یکی از ویژگی‌های مشارکت‌های استراتژیک تمایل آنها به انطباق با ساختارهای اتحاد است. در این چارچوب مشارکت استراتژیک به عنوان ساختارهای پشتیبان برای اتحادهای نظامی طولانی مدت برای گسترش همکاری‌های موجود در سایر حوزه‌ها و وسیله‌ای برای استحکام تعهد دیپلماتیک به یک متحد مهم فراهم را می‌کند. شراکت استراتژیک ایالات متحده و اتحادیه اروپا را می‌توان به عنوان تلاشی برای گسترش همکاری با موسسات اتحادیه اروپا و کشورهای عضو آن در نظر گرفت، که بسیاری از آنها عضو ناتو هستند (Michalski, 2019: 7).

شکل‌گیری یک مشارکت استراتژیک توسط چندین عامل کلیدی کنترل می‌شود: عدم قطعیت محیطی، انطباق راهبردی و اصل سیستم. مشارکت‌های استراتژیک در پاسخ به عدم اطمینان در محیط خارجی (بین‌المللی) مجبور به شکل‌گیری می‌شوند. کنشگران به هم می‌پیوندند تا قابلیت‌ها و انعطاف‌پذیری خود را برای مقابله با این عدم قطعیت افزایش دهند. دومین فاکتور، انطباق راهبردی است که درجه اشتراک منافع و شاید ارزش‌ها یا ایدئولوژی، منابع و دیگر منافع که در مشارکت‌ها ممکن است توزیع شوند را مشخص می‌کند. در بعد سوم هدف مشترک به یک چارچوب جامع از توافق متقابل و درک شناخته شده به عنوان یک اصل سیستم تبدیل می‌شود. اصل سیستم معمولاً بر منافع و ارزش‌های مشترکی استوار است که با هم یک جهان‌بینی مشترک را تشکیل می‌دهند (Wilkins, 2008: 363-364). هولسلاگ فهرستی از پنج ویژگی اصلی مشارکت استراتژیک را توسعه داد که شامل «منافع و انتظارات مشترک شناسایی شده» و همچنین کیفیت مشارکت‌هایی است که «برای بلند مدت تنظیم شده‌اند»؛ علاوه بر این، استراتژی‌ها «باید در حوزه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی مورد نظر، چند بعدی و عملیاتی

شوند» و همچنین «باید یک گستره جهانی داشته باشند»؛ در نهایت و از همه مهم‌تر اینکه «انگیزه‌ها باید ماهیتی داشته باشند که بدون مشارکت نمی‌توان به آنها دست یافت و آن را از سایر روابط متمایز ساخت». به طور سیستماتیک، «مشارکت‌های استراتژیک بیشتر با فرم و شکل سر و کار دارند تا با هدف» (Holslag, 2011: 295). از دید رنارد (۲۰۱۳) یک مشارکت استراتژیک باید جامع باشد، تا امکان ارتباط و توازن بین سیاست‌های مختلف را فراهم کند. دوم، باید بر اساس اقدام متقابل ایجاد شود. سوم، یک مشارکت استراتژیک دارای یک بعد همدلانه قوی باشد، که به این معنی است که هر دو شریک درک مشترکی از ارزش‌ها و اهداف متقابل خود دارند. چهارم، یک مشارکت استراتژیک باید به سمت بلند مدت گرایش داشته باشد، که به این معنی است که با اختلافات اتفاقی زیر سوال نمی‌رود. در نهایت، یک مشارکت استراتژیک باید فراتر از مسائل دو جانبه برود تا (با پتانسیل حل) چالش‌های منطقه‌ای و جهانی را حل کند زیرا این علت وجودی واقعی آن است (Renard, 2013: 303). ژوکوا (۲۰۰۵) بر عوامل زیر تأکید دارد؛ ۱- «علاقه‌های مشابه در بین شرکا و در حالت ایدئال، همگرایی آنها»، ۲- «درجه بالایی از همگرایی دیدگاه‌ها و رویکردها به مسائل کلیدی سیاست منطقه‌ای و یا جهانی»، ۳- «تمایل به آشتی دادن منافع خود با منافع شریک استراتژیک یا تمایل به تصمیم‌گیری در حمایت از شریک در صحنه بین‌المللی»، ۴- «چالش‌ها و تهدیدهای مشترک (مانند جنایات سازمان یافته، مهاجرت غیر قانونی، قاچاق اسلحه و مواد مخدر، جدایی طلبی تهاجمی، تروریسم) و عزم برای همکاری با یکدیگر به منظور غلبه بر آنها»، ۵- «مکانیسمی برای اجرای مشارکت استراتژیک» یا «تمایل و پتانسیل ایجاد چنین مشارکتی» (Zhovkva, 2006). در یک چشم‌انداز مقایسه‌ای می‌توان گفت که عوامل تعیین‌کننده شکل‌گیری مشارکت استراتژیک عبارت هستند از: پیوندهای سازمانی رسمی در سطوح مختلف، ارتباطات منظم و چند سطحی، منافع مشترک و اهداف استراتژیک همگرا، وفاداری و تعهد متقابل، و همچنین طراحی بلند مدت و عملکرد رابطه مورد نظر. متغیرهای مرتبه دوم شناسایی شده عبارت هستند از: طراحی رسمی مشارکت، درک متقابل بیشتر، احترام و اعتماد بیشتر، دیدگاه‌های همگرایی بازیگران در مورد مسائل بین‌المللی و منطقه‌ای و سیستم به این صورت، تعامل نزدیک‌تر آنها در امور امنیتی و حوزه اقتصادی، از جمله احتمالاً پوشش گسترده دیگر حوزه‌های همکاری، در نهایت، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک (نه لزوماً مشترک یا یکسان) برای تقویت روابط استراتژیک قوی‌تر از زمانی بیان می‌شوند که آنها ارائه یا مشخص نشده‌اند (Tyushka & Czechowska, 2019: 24).

روسیه پیشگام استفاده از مفهوم مشارکت استراتژیک بوده و از شراکت‌های مختلف خود به‌عنوان ابزاری در نگاه «چند قطبی» خود به امنیت بین‌المللی بهره برده است. به نظر می‌رسد همکاری ایران و روسیه در چارچوب تحولات سوریه مبتنی بر راهبرد مشارکت استراتژیک بوده است. دو کشور از طریق این مشارکت‌های راهبردی امیدوار هستند همکاری‌های دو جانبه را تقویت کنند، جایگاه خود را در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورند و تعادل ژئوپلیتیکی را برای روابط اغلب ضعیف خود با غرب ایجاد نمایند. این شراکت بیشتر بر پایه تعدادی از منافع متقابل بنا شده تا ارزش‌های مشترک. هر دو قدرت علاقه زیادی به مقاومت در برابر سلطه سیستم جهانی توسط آمریکا و متحدانش دارند و می‌توان گفت که شکل‌گیری مشارکت روسیه-ایران پاسخی به عدم قطعیت در محیط منطقه‌ای و بین‌المللی بود. از نظر مسکو، موقعیت استراتژیک ایران در مرز حوضه غنی دریای خزر و تاثیرگذاری مهم در خاورمیانه، به‌علاوه تمایل مشترک این کشور به مقاومت در برابر هژمونی منطقه‌ای آمریکا، آن را به یک شریک استراتژیک ایدئال تبدیل کرده است.

مولفه‌های تاثیرگذار در روابط ایران و روسیه

از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۲۲ روابط دو جانبه تهران-مسکو فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده و دو دولت در حال حاضر تحت فشار تحریم‌های مختلف اعمال شده توسط غرب و آمریکا قرار دارند. نگرش‌های متفاوتی در مورد این روابط وجود داشته است. گزاره‌هایی مانند «خطوط دوستی استراتژیک» (Geranmayeh & Liik, 2016: 11)، «مشارکت استراتژیک» (Sazhin, 2016)، «همکاری تاکتیکی» (Therme, 2018)، «اتحاد استراتژیک منطقه‌ای» (Belobrov, 2014: 34)، «ائتلاف استراتژیک علیه تروریسم» (karami, 2022: 1265) و ازدواج مصلحتی (Kozhanov, 2016) سطح روابط دو کشور را توصیف کرده‌اند. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و شکل‌گیری یک نظام بین‌المللی و منطقه‌ای جدید، ایران و روسیه در یک محیط استراتژیک متفاوت قرار گرفتند: فرصت‌های جدیدی برای رابطه آنها ایجاد شد، مانند ژئوپلیتیک جدید در اوراسیا، فشارها و محدودیت‌های آمریکا، نیازهای اقتصادی متقابل و اراده سیاسی جدی در میان نخبگان. رئیس‌جمهور روسیه در سال ۲۰۱۴ از آغاز مرحله جدیدی در روابط میان دو کشور سخن گفت و ایران را همسایه خوبی نامید. پوتین در دو دهه گذشته چهار بار به ایران سفر کرده و با مقام معظم رهبری ملاقات کرده است. در سال ۲۰۱۷، پوتین تاکید کرد که ایران یک «شریک استراتژیک» و یک «همسایه بزرگ» است (karami, 2022: 1260-1265). به نظر می‌رسد که برای ایران روابط با مسکو پس از جنگ سرد ذاتاً استراتژیک بوده است. در حالی که روسیه تمایل

به حفظ روابط صلح‌آمیز با ایران از نظر سیاست‌های منطقه‌ای دارد، روابط دیپلماتیک با تهران در درجه دوم جاه‌طلبی‌های استراتژیک جهانی مسکو قرار دارد. با بررسی اسناد امنیت ملی روسیه در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ مشخص می‌شود که کشورهای مختلف برای روسیه به شش وضعیت مختلف متحد، شریک راهبردی، شریک اقتصادی، همکار مهم، وضعیت دوگانه و تهدید، بازنمایی و تعریف می‌شوند؛ ایران نیز در میانه این گروه قرار دارد و برای دولت روسیه به‌عنوان یک همکار مهم در برخی از حوزه‌ها تعریف می‌شود (غنی و عسگریان، ۱۴۰۰: ۲۴۴-۲۴۵). هر چند به نظر می‌رسد که بعد از بحران سوریه و جنگ اوکراین سطح این رابطه به «شراکت استراتژیک» تغییر یافته است. از نگاه ایران روابط با مسکو برای موقعیت ژئوپلیتیک، معماری دفاعی و مانور سیاسی ایران در طول مذاکرات با غرب بسیار ارزشمند است. با این حال، تهران به طور فزاینده‌ای این روابط را به‌عنوان بخشی از یک استراتژی فراگیر برای افزایش قدرت اقتصادی و چارچوب امنیتی خود در خاورمیانه می‌بیند (Geranmayeh & Liik, 2016: 8). از دید ایران، روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ و عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد قادر است ایران را از خطر تحریم‌های بین‌المللی حفظ کند. روسیه یکی از تامین‌کنندگان مهم تسلیحات بوده و نیروگاه هسته‌ای بوشهر را علی‌رغم فشار قوی آمریکا برای لغو این پروژه ساخته است. از سال ۲۰۲۰ و پایان رسمی تحریم تسلیحاتی ایران تحت قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد، روابط نظامی و فنی ایران-روسیه دوباره آغاز شده است. مشارکت در سوریه روابط دو کشور را از لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای به هم نزدیک کرده است. علی لاریجانی در طول سفر خود به روسیه در سال ۲۰۱۵ اظهار داشت که با وجود لغو تحریم‌های بین‌المللی آینده تحمیل شده بر جمهوری اسلامی ایران، این کشور روسیه را به‌عنوان یک شریک دارای اولویت می‌بیند (Kozhanov, 2017: 112).

در چارچوب نگرش‌های ژئوپلیتیکی، نزدیکی جغرافیایی، اشتراک منافع منطقه‌ای، بین‌المللی و ژئوپلیتیک انرژی دو کشور را در موضوعات استراتژیک، مرتبط با انرژی و منطقه‌ای مرتبط ساخته است (Aghaie & Mousavipour, 2015: 143). از سال ۱۹۹۱، مسکو و تهران در بسیاری از مناطق آسیای جنوبی و افغانستان تا آسیای میانه، دریای خزر، قفقاز جنوبی و خاورمیانه که اساس همکاری آنها را تشکیل داده‌اند، درک مشترکی از تهدیدات و منافع متقابل دارند. تهدید گسترش نفوذ قدرت‌های غربی و متحدان آنها، ظهور و گسترش رادیکالیسم، ترس از بی‌ثباتی منطقه‌ای و احتمال گسترش بحران‌ها در منطقه بین مرزهای دو کشور در گسترش این همکاری بسیار موثر بوده است. با وجود اختلاف نظر میان دیدگاه‌های دو دولت در مورد برخی مسائل منطقه‌ای، تهران و مسکو در بحران تاجیکستان از سال

۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷ همکاری قابل توجهی داشتند، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ با یکدیگر علیه طالبان مبارزه کردند و از سال ۲۰۱۲ در زمینه مبارزه با تروریسم در سوریه مشارکت داشتند (karami, 2022: 1262). در این مفهوم، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران تحت تاثیر روابط روسیه با کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده آمریکا، که برتری جهانی آن به شدت در برابر دولت روسیه مقاومت کرده، شکل می گیرد. در سطح بین المللی، ایران و روسیه مخالف نظام بین المللی تک قطبی و یک جانبه هستند: در مخالفت با گسترش ناتو و استقرار سپر موشکی ناتو منافع مشترکی وجود دارد. روسیه با حمایت از ایران به دنبال مهار گسترش نفوذ آمریکا و تقویت جایگاه خود در خاورمیانه است. در واقع ائتلاف ایران و روسیه با برخی اشتراکات عمیق نوع نگاه به روابط بین الملل شکل گرفته، هر دو کشور خواهان ایجاد و حفظ نظم جهانی «چند قطبی» هستند که هر دوی آنها را به عنوان تصمیم گیرندگان مهم در نظر می گیرد. روسیه این هدف را بیشتر در سطح جهانی دیده و خود را در میان تصمیم گیرندگان کلیدی در تعیین آن نظم بین المللی می بیند. از سوی دیگر، ایران بیشتر بر اجرای قرائت خود از نظم بین المللی در منطقه نزدیک خود تمرکز دارد. نکته مهم این است که مخالفت متقابل آنها با آنچه که به عنوان یک جانبه گرایی آمریکا می بینند، آنها را متحد می کند. همان طور که مقام معظم رهبری در نشست نوامبر ۲۰۱۵ خود با ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، اشاره کرد، «طرح بلند مدت ایالات متحده علیه منافع همه کشورها، به ویژه دو کشور ایران و روسیه است که می تواند با همکاری دو کشور خنثی شود» (Geranmayeh & Liik, 2016: 2). روسیه همچنان به عنوان مهم ترین بازیگر برای مقامات ایرانی به عنوان یک رقیب بالقوه برای نفوذ آمریکا در منطقه خاورمیانه مطرح می شود. حتی امضای برجام بین ایران و گروه ۱+۵، روابط ایران با مسکو را تغییر نداد (Kozhanov, 2017: 112).

روسیه برای غلبه بر انزوای استراتژیک خود به شرکای منطقه ای قوی نیاز دارد. برای روس ها، همگرایی امنیتی با ایران سودمند است زیرا می تواند ظرفیت خود را برای مقابله با تهدیدات گسترش دهد و به رسمیت شناخته شدن را به دست آورد. همگرایی امنیتی بین تهران و مسکو بر اساس درک مشترک از نظم بین المللی به عنوان یک محیط ناعادلانه است که نه تنها هویت مدنی منحصر به فرد روسیه را به رسمیت نمی شناسد بلکه آنها را در معرض خطر قرار می دهد. این اولین ستون همگرایی را تشکیل می دهد. رکن دوم بر اساس ترکیبی از تهدیدات مشترک تمدنی، داخلی و منطقه ای است. مسائلی مانند تحریم، تغییر رژیم، افراط گرایی اسلامی، گسترش ناتو به شرق و حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه در هر دو پایتخت به عنوان تهدیدات مشترک دیده می شوند. می توان استدلال کرد که رویکردهای مبتنی

بر تهدید می‌تواند روابط حسنه ایران و روسیه را بهتر از رویکردهای مبتنی بر منافع توضیح دهند. رهبران هر دو طرف نشان داده‌اند که تمایل دارند تفاوت‌های نظام هویتی خود را درک کنند تا بتوانند بر روی مسائل امنیتی مهم‌تر مانند نظم امنیت خاورمیانه کار کنند که شناخت بین‌المللی و خنثی‌سازی تهدیدهای مشترک را تسهیل می‌کند. این ستون‌ها توضیح می‌دهند که چرا اختلافات مختلف از دیدگاه‌های مختلف در اجرای عملیات در سوریه و شکاف‌ها بر سر آینده بشار اسد در مواضع متناقض در مورد سیاست‌های نفتی و موضع تهاجمی ایران علیه اسرائیل هنوز نتوانسته است چالش‌های جدی برای همگرایی امنیتی ایجاد کند. علاوه بر این، محیط امنیت استراتژیک باعث ایجاد روابط امنیتی قوی‌تر بین ایران و روسیه می‌شود. با توجه به مواضع سخت اروپا و آمریکا در برابر روسیه و ایران، ارکان همگرایی امنیتی پایدار باقی می‌ماند و نویدبخش ادامه همکاری امنیتی بین این دو کشور است (Divsallar, 2019: 118). ادراکات تهدید به اصل مهم منطق استراتژیک پشت سیاست‌های امنیتی ایران و روسیه به رفتار منطقه‌ای و نمایش قدرت تبدیل شده است. جالب است که دو کشور بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ معاصر خود در حال پیدا کردن تهدیدات مشترک هستند. هر دو کشور هویت و ثبات خود را به‌عنوان نقاط کانونی تهدید شده توسط نظم بین‌المللی می‌بینند. این جنبه‌های مشترک درک تهدید چیزی است که همگرایی امنیتی ایران-روسیه را ممکن می‌سازد و تا زمانی که منبع تهدیدها دست نخورده باقی بماند، پایدار می‌ماند. هر دو کشور احساس می‌کنند که از جانب قدرت‌های غربی که تغییر رژیم قوی را در نظم بین‌المللی نهادینه می‌کنند، به‌عنوان یک مکانیزم مشروع برای شکل دادن به نظم امنیتی، تهدید می‌شوند (Divsallar, 2019: 112). بهبود روابط ایران و روسیه پس از جنگ سرد به‌عنوان واکنشی به جاه‌طلبی‌های هژمونیک آمریکا، رابطه دو کشور را به صورت استراتژیک در می‌آورد که در آن ایران و روسیه در مقابله با نفوذ آمریکا، منافع بلند مدت خود را به اشتراک می‌گذارند. روابط اقتصادی نقش مهمی در شکل‌گیری ائتلاف بین دو کشور نداشته است. در حوزه اقتصادی، علی‌رغم توافقات متعدد و تلاش‌های گسترده اقتصادی بخش بازرگانی و تجاری یکی از کندترین و محدودترین حوزه‌های همکاری بین ایران و روسیه است. در وهله اول، اقتصاد دو کشور مکمل یکدیگر نیستند چرا که هر دو صادرکنندگان اصلی مواد خام و انرژی و واردکنندگان فناوری و کالاهای صنعتی هستند. در زمینه تجارت، همکاری ایران و روسیه نیز محدودیت‌های خود را دارد. روسیه قادر به ارائه کمک، تجهیزات و فناوری مورد نیاز به ایران نیست. تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران نیز گزینه‌های همکاری روسیه و ایران را به شدت محدود کرده است. اگرچه حجم تجارت بین دو کشور از ۴۰۰

میلیون دلار در سال ۱۹۹۱ به حدود ۳ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ افزایش یافت اما پس از آن تحت تحریم‌های بین‌المللی از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ به پایین‌ترین سطح خود یعنی کمتر از ۱ میلیارد دلار کاهش یافت. با این حال، تجارت دو جانبه از سال ۲۰۱۴ به حدود ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ رسیده است. علاوه بر این، برخی از پروژه‌های بزرگ اقتصادی مانند ساخت نیروگاه‌های حرارتی جدید، دو نیروگاه هسته‌ای جدید و اختصاص ۵ میلیارد دلار از سوی روسیه برای تامین بودجه این پروژه‌ها بایستی مورد اشاره قرار گیرند (Sanaei & Karami, 2021: 37). به موجب توافقنامه‌ای در مورد ترجیحات تجاری بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۷، دو طرف محدودیت‌های گمرکی در زمینه تجارت را لغو کردند، بنابراین تجارت بین ایران و اعضای آن در سال‌های اخیر افزایش یافته است. توافق موقت برای ایجاد یک منطقه آزاد تجاری بین EAEU و ایران در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۹ به اجرا درآمد و برای کاهش عوارض گمرکی ۸۶۲ نوع کالا فراهم شد. گردش تجاری بین EAEU و ایران در سال ۲۰۲۰ به ۲.۹ میلیارد دلار افزایش یافت که نسبت به سال ۲۰۱۹، ۱۸ درصد افزایش نشان می‌دهد (karami, 2022: 1263). در حال حاضر افزایش چشمگیری در صادرات محصولات کشاورزی و غذایی ایران به روسیه وجود دارد.

علی‌رغم اهمیت روابط و همکاری‌های تهران-مسکو برای دو طرف و سایر کشورهای منطقه، این روابط همچنان با مشکلات مختلفی همراه است. سطح همکاری‌های اقتصادی به کمتر از ۴ میلیارد دلار محدود شده و همکاری‌های منطقه‌ای نهاده‌ای نشده است. رای دادن روسیه به شش قطعنامه تحریمی علیه ایران از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰ و این واقعیت که همکاری دو طرف تحت تأثیر رفتار سایر بازیگران قرار دارد، از مشکلات اصلی در حفظ روابط است (karami, 2022: 1260-1265). رابطه دو کشور فاقد مبانی اساسی برای تداوم، ثبات و گسترش است. برخی رویدادهای تلخ تاریخی، به‌ویژه خاطرات تاریخی ایران در مورد جنگ‌های قفقاز در دهه‌های اول قرن نوزدهم، تیراندازی به اولین مجلس ایران توسط افسر قزاق لیاخوف و حضور ارتش شوروی در ایران (۱۹۴۶-۱۹۴۱)، سرمایه اجتماعی خوبی برای یک رابطه ایجاد نکرده‌اند. پیشینه تاریخی مانعی بر سر راه ایجاد هر گونه روابط حسنه استراتژیک بین دو کشور است. از نظر تاریخی رابطه دو کشور فضایی از بی‌اعتمادی و رقابت بوده که مانع شکل‌گیری هر گونه اتحاد استراتژیک شده است (Antonyan, 2017: 343). در سطح اجتماعی هیچ نشانه مهمی از تلاش‌های مردمی یا روابط فرهنگی گسترده برای نزدیک‌تر کردن جوامع وجود ندارد. فقدان اجماع و برداشت‌های متنوع در میان روشنفکران، محدودیت‌هایی را برای سیاست‌گذاران دو کشور ایجاد می‌کند.

به طور خاص آنها تدوین یک چارچوب بلند مدت برای همکاری را دشوار می‌کنند که در نهایت می‌تواند به بی‌اعتمادی تاریخی پایان دهد. حتی ابتکاراتی مانند معافیت ویزا برای ترویج روابط اجتماعی و فرهنگی هنوز عملی نشده‌اند. در مقابل، رابطه بین دو کشور تحت تأثیر همکاری در سطح دولتی است که در آن امنیت اولویت بالایی است که سایر جنبه‌های همکاری دو جانبه را هدایت می‌کند (Divsallar, 2019: 107).

با توجه به مسائل منطقه‌ای دو کشور در سال‌های اخیر در تعدادی از مناطق و کشورها همکاری راهبردی داشته‌اند. همکاری بین دو دولت به شکل مقابله با افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی، حمایت از دولت‌های مستقل، کمک به حل مشکلات و بحران‌های منطقه‌ای و آغاز عملیات‌های نظامی علیه تروریسم بوده است. اگرچه تهران و مسکو دیدگاه‌های خود را در مورد مسائل مختلف دارند و در برخی موارد منافع متضادی دارند، اما منافع خاصی را در زمینه ثبات و امنیت منطقه‌ای و مخالفت با ایالات متحده به اشتراک می‌گذارند. در واقع، بر خلاف روابط با چین که عمدتاً اقتصادی بوده، روابط تهران-مسکو ماهیتاً بیشتر بر امنیت متمرکز بوده است. یکی از نکات برجسته روابط ایران و روسیه، همکاری نظامی در مبارزه با تروریسم در سوریه بوده که می‌توان آن را به‌عنوان یک مشارکت استراتژیک توصیف کرد. حتی عدم توافق آنها در مورد بحران سوریه، آنها را از انجام عملیات نظامی قابل توجه در حمایت از دولت مشروع سوریه، تمامیت ارضی کشور و ثبات و امنیت منطقه در برابر تروریسم باز نمی‌داشت. بنابراین، همکاری استراتژیک تهران و مسکو علیه تروریسم توانست امنیت ملی و منطقه‌ای سوریه و شرق مدیترانه را کم و بیش حفظ کند. اما این دو کشور هنوز در حال یافتن راه‌حلی روشن برای دوران پس از بحران هستند که می‌تواند تأثیرات منفی بر روابط دو جانبه داشته باشد (Sanaei & Karami, 2021: 38). در مورد سوریه، همکاری ایران و روسیه به طور موثر به ثبات منطقه‌ای، حفظ دولت در سوریه و جلوگیری از بحران‌های بیشتر در این کشور کمک کرده است. استفاده کوتاه مدت روسیه در آگوست ۲۰۱۶ از پایگاه هوایی ایران در نزدیکی شهر همدان برای بمباران اهداف در سوریه نشان می‌دهد که روابط روسیه و ایران وارد مرحله اساساً جدیدی شده است. در واقع، بدون برنامه مشخص برای روابط آینده بین دو کشور، به‌ویژه در مورد مسائل منطقه‌ای، مشارکت استراتژیک به میزان قابل توجهی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

مشارکت استراتژیک ایران و روسیه در بحران سوریه

از دید برخی تحلیلگران روسیه و ایران هر دو منافع استراتژیک مشابهی در تحولات سوریه دارند و می‌توانند اقدامات خود را هماهنگ کنند. اهداف استراتژیک مشترک در سوریه شامل حفظ دولت بشار اسد و نهادهای عمومی آن و مقابله با گروه‌های افراطی تروریستی و گسترش نهادهای غربی به این منطقه است. نیروهای دولتی سوریه، با حمایت حملات هوایی روسیه و عملیات‌های زمینی با حمایت ایران، موقعیت خود را به طور قابل توجهی تقویت کرده‌اند. اقدامات روسیه و ایران به صورت متقابل وابسته و مکمل یکدیگر بودند. حملات هوایی روسیه بدون عملیات زمینی نیروهای ایران و سوریه موثر نبود (Antonyan, 2017: 343)، چرا که دو کشور بر این باور هستند که در سوریه آنها در «جنگ جهانی کوچک» می‌جنگند و بدون حمایت همدیگر پیروزی در آن دشوار خواهد بود؛ به عبارت دیگر، روسیه و ایران به این نتیجه رسیدند که به منظور تامین منافع خود در سوریه باید همکاری کنند. در نتیجه مسکو و تهران ائتلاف استراتژیکی را شکل دادند که در آن هر یک از طرفین سعی دارد با کمک دیگری به اهداف خود دست یابد (Kozhanov, 2017: 115).

مشارکت روسیه در منطقه خاورمیانه در قرن بیست و یکم عمدتاً ناشی از تمایل این کشور برای بازگشت به «صفحه شطرنج ژئوپلیتیک جهانی» با وضعیت «قدرت بزرگ» است (Trenin, 2018: 21). اهداف استراتژیک بزرگ روسیه که به سوریه مربوط می‌شود شامل برقراری مجدد جایگاه خود به عنوان یک قدرت بزرگ و کاهش نفوذ جهانی ایالات متحده و ناتو است. اهداف راهبردی تابع آن در سوریه بر استفاده از خاورمیانه برای گسترش نفوذ نظامی و دیپلماتیک آن متمرکز است (Cafarella & Zhou, 2019: 11). روسیه بعد از فروپاشی شوروی همواره یک شکوه تاریخی برای تحقق قدرت بزرگ شدن را در ذهن خود داشته و این موضوع به‌ویژه در دوران به قدرت رسیدن پوتین مورد توجه بوده است. در این راستا کرملین بحران سوریه را میدانی مهم برای ملاحظات استراتژیک خود در نظر می‌گیرد. در شرایط کنونی بخش مهمی از منافع فدراسیون روسیه در خاورمیانه و جهان عرب از دمشق عبور می‌کند و مستلزم توازن قوای مسکو با رقبای قدرتمند مثل محور غربی-عربی در آن است (Bagdonas, 2012: 69). می‌توان گفت چند هدف اصلی در پشت سیاست روسیه در سوریه وجود دارد در مرحله اول، رویارویی رو به رشد با برنامه‌های غرب برای ایجاد مجدد روسیه به عنوان یک قدرت جهانی تاثیرگذار، محرک‌های کلیدی بودند که تصمیم مسکو را برای حمایت از رژیم اسد در مبارزه‌اش تعیین می‌کردند. پس از درگیری‌های اوکراین و گرجستان، مناقشه سوریه فرصتی بود برای روسیه تا توانایی خود را در

طرح قدرت سخت و دفاع موفقیت‌آمیز از منافع ژئوپلیتیکی به جهان غرب، به‌ویژه آمریکا، به نمایش بگذارد. عامل دیگر حاکمیت و مسئله عدم مداخله در درگیری‌های داخلی دیگر کشورها است. روسیه میزان دخالت غرب در انقلاب‌های رنگی گرجستان، اوکراین و قرقیزستان و در بهار عربی را دیده که چه صدمات جبران ناپذیری بر ثبات منطقه‌ای وارد کرده است. هدف سوم از بعد ژئوپلیتیکی و قدرت محورانه نشأت می‌گیرد. سوریه برای روسیه اهمیت زیادی دارد زیرا میزبان تنها پایگاه نظامی مسکو در خاورمیانه است. موفقیت مسکو در سوریه اعتبار خود را در جهان عرب، حتی با عربستان سعودی و امارات متحده عربی که از گروه‌های مخالف سلفی در سوریه حمایت می‌کردند، به شدت بالا می‌برد. ترس از افراط‌گرایی و گسترش تروریسم در روسیه هدف بعدی است. روسیه از گسترش اسلام‌گرایی رادیکال در سراسر جهان اسلام (از جمله بخش‌هایی از روسیه)، در درجه اول در قفقاز شمالی هراس دارد. از دیدگاه روسیه، شورش‌های داخلی فرصتی برای گروه‌های رادیکال‌تر و گشودن درها به روی فعالیت‌های تروریستی و نیروهای جدایی طلب است. مذاکرات در مورد مسئله اوکراین با غرب می‌توانست هدف دیگر روسیه باشد. روسیه توانست ضمن مذاکره با غرب بر سر تحریم‌ها و آینده اوکراین شرقی از کارت سوریه استفاده کند. علاوه بر این، بحران مهاجرت برای اروپا اهمیت اقدامات نظامی روسیه را افزایش می‌دهد و به مسکو اجازه می‌دهد تا به طور غیر مستقیم جریان‌های مهاجرت به اروپا را کنترل کند (Antonyan, 2017: 342).

ایران با هدف حفظ موقعیت منطقه‌ای خود از یک سو و مقابله با بازیگران و روندهایی که «محور مقاومت» از جمله سوریه را تهدید می‌کنند، دست به ائتلاف با روسیه زده است. ایران برای خنثی کردن تهدیدات علیه موقعیت منطقه‌ای و متحدان خود در «محور مقاومت» تلاش می‌کند تا قدرت‌های بین‌المللی را در برابر یکدیگر متعادل سازد (Ahmadian, 2021: 467). آغاز جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ یک منبع نگرانی عمده برای ایران بود چرا که سقوط حکومت اسد به معنای از دست دادن نزدیک‌ترین متحد دولتی در خاورمیانه بود. در واقع، این امر یکی از جدی‌ترین ضربات ژئوپلیتیکی به جمهوری اسلامی از سال ۱۹۷۹ خواهد بود. سوریه به‌عنوان یک حلقه حیاتی در هلال شیعی محسوب می‌شود، ایران را به لبنان و دریای مدیترانه متصل می‌کند؛ علاوه بر اینکه عمق استراتژیک محور مقاومت محسوب می‌شود، زمینه‌ای برای پرورش نیروهای مقاومت هم‌فکر را فراهم می‌کند به طوری که سید حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در ژوئیه ۲۰۱۲ اشاره داشتند: سوریه گذرگاه مقاومت و پل بین ایران و محور مقاومت می‌باشد (Guneylioglu, 2023: 50-51). در رویکرد ایران نسبت به تحولات

سوریه درگیری نظامی ایران در سوریه به عنوان بخشی از تقابل سستی ج.ا.ا علیه اسرائیل و آمریکا دیده می شود. هر یک از کشورهای لبنان، سوریه، عراق و یمن نماینده خط مقدم دفاع ایران در برابر مخالفان بین المللی و منطقه ای جمهوری اسلامی هستند که تلاش می کنند نفوذ ایران را در خاورمیانه تضعیف کنند. در نتیجه تضعیف حضور ایران در هر یک از این چهار کشور می تواند پیامدهای منفی منطقه ای برای برنامه های ژئواستراتژیک تهران داشته باشد. سوریه از میان چهار کشور «زنجیره دفاعی» بیشترین اهمیت را برای تهران دارد. سوریه «پلی» است که ایران را به لبنان و فلسطین متصل می کند و تهران تنها در صورتی می تواند از آن استفاده کند که حکومت اسد در قدرت باقی بماند (Kozhanov, 2017: 115). همان طور که بایرام بالچی در کتاب «ترکیه، روسیه و ایران در خاورمیانه: ایجاد نظم نوین منطقه ای» استدلال می کند، ایران خود را در «تنهایی استراتژیک» می داند که توسط دیگر قدرت های متخاصم محاصره شده است. به دلیل این موقعیت چالش برانگیز، تهران تلاش می کند تا عمق راهبردی ایجاد کند و از دکترین نظامی «دفاع پیشرو» یا «بازدارندگی همه جانبه» پیروی می کند و هدف آن جذب و پرورش گروه های هم فکر در سراسر خاورمیانه است. دمشق نقشی حیاتی در این استراتژی ایفا می کند زیرا سوریه نه تنها شبه نظامیان طرفدار ایران را در خود جای داده، بلکه ایران را به شبکه جنبش های اسلامی عمدتاً شیعه از جمله حزب الله لبنان که به آن عمق استراتژیک و نفوذ در برابر رژیم صهیونیستی می دهد، مرتبط می کند. این نفوذ تثبیت شده ایران در سوریه، در مجاورت اسرائیل، به عنوان اهرم فشار قوی و همچنین موازنه ای در مقابل حضور ایالات متحده در منطقه است (Balci & Monceau, 2021). هدف اصلی مشارکت ایران در جنگ سوریه، طراحی توافقی در آینده است که نیازهای این کشور را برآورده سازد. به طور خاص، تقویت محور شیعی ایران-عراق-سوریه حزب الله نیاز به حفظ رژیم علوی و تضمین جهت گیری طرفدار ایران دارد (Magen et al, 2016: 783). از طرف دیگر حضور فزاینده شبه نظامیان سنی تندرو به عنوان تهدیدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی تلقی می شود. همان طور که شهید سلیمانی در بخشی از خاطرات خود اشاره می کند، حضور در سوریه یک مبارزه ضروری با تروریست های خطرناک است که به مرزهای ایران نزدیک شده اند و تهدید جدی بر علیه امنیت ملی ایران ایجاد کرده اند (Guneylioglu, 2023: 50-51). در تحولات سوریه، ایران از سنت برنامه ریزی استراتژیک واکنشی در برابر تهدیدات آمریکا و دشمنان منطقه ای فراتر رفت و شروع به برقراری محاصره، هدف قرار دادن و کاهش تهدیدها کرده است. این امر باعث شد تا جامعه استراتژیک ایران درک جدیدی از تحولات خاورمیانه و انتخاب های خود در منطقه بی ثبات داشته باشد. برای حفظ

موقعیت منطقه‌ای و خنثی کردن روندهای تهدیدکننده «محور مقاومت» در مناطق اطراف خود، سیاست منطقه‌ای ایران از مقابله با نظم منطقه‌ای مورد حمایت آمریکا به سمت مهار سیاست‌های ضد وضعیت موجود رقبا تغییر کرد که این تغییر، تغییر اساسی از وضعیت استراتژیک سنتی پس از انقلاب در خاورمیانه را نشان می‌دهد (Ahmadian, 2021: 459). در واقع سیاست ایران بخشی از استراتژی بازدارندگی آن است و تصویب بازدارندگی آن بدون حضور سوریه شکل دیگری به خود می‌گرفت.

فرصت‌ها

همکاری‌های نظامی-امنیتی دو کشور

همکاری نظامی ایران و روسیه در سوریه اولین تجربه همکاری امنیتی-نظامی ایران پس از انقلاب اسلامی است. هدف از رویکرد جدید، ایجاد و حفظ توازن میان این دو کشور است. در خاورمیانه، ایران تلاش کرد تا ائتلاف مورد حمایت آمریکا در سوریه برای تضعیف این کشور را از طریق مشارکت دادن روسیه متعادل کند. اهمیت این همکاری از این واقعیت ناشی می‌شود که بر خلاف همکاری قبلی آنها در تاجیکستان و افغانستان، مورد سوریه می‌تواند تأثیر مهمی داشته باشد و نظم منطقه‌ای آینده در خاورمیانه را شکل دهد. روسیه در مرحله سوم مشارکت ایران در سوریه -مرحله بین‌المللی‌سازی بحران- درگیر شد. در این چارچوب در سطح بین‌المللی، ایران از سنت عدم هم‌ترازی به سمت توازن حرکت کرد که لزوماً هدف آن اتحادسازی نبود بلکه هدف آن تقویت استقلال ایران از طریق تعاملات استراتژیک و همکاری با قدرت‌های جهانی بود (Ahmadian, 2021: 467). همکاری نظامی-امنیتی دو کشور در سوریه فراتر از انتقال تسلیحات بوده و جنبه‌های جدیدی را در بر می‌گیرد که آن را از تجربیات قبلی متمایز می‌سازد. نخست، بحران سوریه به اشتراک‌گذاری گسترده اطلاعات دو جانبه را در چارچوب همکاری ضد داعش منجر شد. دوم، شامل عملیات‌های هماهنگ نظامی است که یک عنصر کاملاً جدید در روابط دو جانبه بود. هماهنگی عملیاتی نظامی در سطح فرماندهی و کنترل در عراق و عملیات‌های تاکتیکی مشترک در سوریه با نیروهای ایرانی بر روی زمین و پشتیبانی هوایی روسیه نمونه‌هایی از میزان هماهنگی عملیاتی بودند. سوم، همکاری امنیتی به مسکو و تهران کمک کرده تا اهداف استراتژیک گسترده‌تر خود را دنبال کنند، یعنی معماری امنیت منطقه‌ای را شکل دهند و به وضعیت قدرت جهانی دست یابند. پیمان آستانه، که ظرفیت دو کشور را به همراه ترکیه برای پیشبرد نظم منطقه‌ای مورد نظر و محدود کردن حضور نظامی آمریکا نشان داد، به آنها کمک کرده تا

تلاش‌هایشان را در شکل‌دهی به نظم امنیت منطقه‌ای افزایش داده و به مراحل پیچیده‌تر مانند عملیات ثبات ادامه دهند. این ویژگی‌ها نشان دهنده همگرایی امنیتی فزاینده بین ایران و روسیه است (Divsallar, 2019: 108). همکاری نظامی ایران با روسیه، علی‌رغم اختلافات و سوءظن متقابل، موقعیت منطقه‌ای این کشورها را تقویت کرده است. ایران روسیه را تشویق کرد تا در زمانی وارد تئاتر سوریه شود که گروه‌های مخالف با حمایت منطقه‌ای در حال کسب منافع استراتژیک و پشت سر گذاشتن اسد بودند. این همکاری نظامی به‌عنوان گام مهمی در در بهبود روابط بین ایران و روسیه در نظر گرفته می‌شود. هم روسیه و هم ایران از این موضوع برای ارسال پیامی به آمریکا و غرب استفاده کردند که آنها نیروهای پیشرو و تاثیرگذار در منطقه هستند و نقش مهمی در شکل‌گیری نظم جدید خاورمیانه بازی می‌کنند (Kam & Magen, 2016: 2).

مقابله با نفوذ غرب

ملاحظات استراتژیک و تلاش برای مقابله با یک جانبه‌گرایی آمریکا، بازتعریف نقش خود در ترتیبات منطقه‌ای در خاورمیانه از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرینی دو کشور در دمشق بوده است. هم ایران و هم روسیه به دلایل مختلف تاریخی، ژئوپلیتیکی و حفظ منافع و امنیت ملی خود، با گسترش حوزه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی جهان غرب در مناطق پیرامون خود مخالف هستند. از این رو است که تهران و مسکو طی سال‌های اخیر مواضع انتقادی مشابهی را در قبال اتخاذ رویکردهای یک جانبه در مناسبات بین‌الملل از سوی ایالات متحده داشته‌اند. نگرش هر دو کشور به تحولات کنونی سوریه را باید در نگرانی مشترک از گسترش دامنه نفوذ غرب در منطقه استراتژیک خاورمیانه دانست. روس‌ها به خوبی بر این نکته واقف هستند که در صورت سرنگون شدن نظام سیاسی کنونی سوریه (در صورت نقش نداشتن در نظام سیاسی آینده) کل منطقه زیر سلطه غرب، به‌ویژه آمریکا می‌رود و این برای روسیه‌ای که در حال احیا شدن است یک زیان بزرگ تلقی می‌شود. ایران نیز سوریه را نقطه مهم و استراتژیک در محور مقاومت علیه اسرائیل و جهان غرب در منطقه می‌بیند. از این رو، سقوط دولت کنونی و روی کار آمدن یک دولت غرب‌گرا به هیچ عنوان در راستای منافع استراتژیک ایران و روسیه قرار ندارد. اهمیت این مسئله تا به آنجا است که روسیه بر خلاف تحولات کشورهای دیگر خاورمیانه به‌ویژه لیبی، با تمام قدرت وارد صحنه تحولات سوریه شده است (عزیزی و نجفی، ۱۳۹۶: ۸۱). البته بایستی اشاره کرد با توجه به کاهش نسبی قدرت ایالات متحده و تمایل آن به کاهش جای پای خود در خاورمیانه، دو کشور احساس می‌کنند که این یک لحظه مناسب برای معرفی خود به‌عنوان قدرت منطقه‌ای است.

روسیه اعتقاد دارد که این امر ادعای این کشور مبنی بر اینکه یک قطب مهم در نظم جدید جهانی است را تقویت خواهد کرد. ضعیف کردن نقش آمریکا تنها ظهور چیزی است که کارشناسان روسی آن را «جهان چند مرکزی» می‌نامند، که یک هدف استراتژیک برای روسیه است (Unnikrishnan & Purushothaman, 2017: 252).

مقابله با تروریسم

مقابله با تهدیدات مشترک منطقه‌ای، منفعت مشترک دیگر ایران و روسیه است و دو کشور در خصوص به مخاطره افتادن آن در سوریه و در موضوعاتی چون تروریسم و افراط‌گرایی ابراز نگرانی کرده و برای مقابله با آن سطح فزاینده‌ای از همکاری‌های امنیتی و نظامی را به نمایش گذاشته‌اند. مسکو و ایران تاکید دارند که گسترش ایدئولوژی افراطی در خاورمیانه را می‌توان به دو عامل جهانی شدن و مداخله خارجی نسبت داد که با هم «مکانیزم‌های امنیتی و حکومتی سستی» را تخریب کرده و تروریسم را گسترش داده‌اند (Ibid: 253). در سپتامبر سال ۲۰۱۴، لاوروف ایران را متحد طبیعی روسیه در مبارزه علیه افراط‌گرایان اسلامی در خاورمیانه خواند. آنان به این امر واقف هستند که پیدایش و تقویت گروه‌های تروریستی در منطقه در طول سالیان پس از جنگ سرد با منافع ژئوپلیتیکی رقبای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای‌شان پیوند داشته است (درآینده و احمدی، ۱۳۹۷: ۸۶). روسیه نگران است که ایده‌های افراطی خاورمیانه در سراسر آسیای میانه نفوذ کند و مرزهای جنوبی این کشور می‌تواند شورش‌های داخلی را که تقویت کند؛ معتقد است که بی‌ثباتی خاورمیانه را قادر ساخته تا به زمینه‌های آموزشی برای جهادگرایان تبدیل شود.

چالش‌ها

هدف سیاست خارجی ایران تقویت محور مقاومت به منظور تأثیرگذاری بر فرایندهای امنیت منطقه‌ای و محدود کردن تأثیر کشورهای عربی خلیج فارس، رژیم صهیونیستی و ترکیه در خاورمیانه است. در حالی که مسکو در تلاش است تا از وارد شدن به درگیری‌های منطقه‌ای، به‌ویژه درگیری‌های ایران و رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی اجتناب کند. برای روسیه درگیری سوریه یک مسئله صرفاً ژئوپلیتیکی است نه یک امنیت حیاتی. مسکو به دنبال حل و فصل دیپلماتیک جنگی است که تا حدی به اسد مشروعیت می‌بخشد، به کاهش هزینه‌های نظامی و افزایش فشار بین‌المللی بر روسیه کمک می‌کند. مسکو هیچ‌گونه تمایلی به بخشی از یک اردوگاه طرفدار شیعه بودن در مقابل ائتلاف سنی به

رهبری شورای همکاری خلیج فارس ندارد چرا که این امر روسیه را به میان رویارویی های شیعه و سنی می کشاند و اجازه می دهد نیروهای سیاسی ضد روسی در خاورمیانه کرملین را به عنوان دشمن جهان سنی به تصویر بکشند. مسکو در اکتبر ۲۰۱۵ یک هشدار جدی دریافت کرد که در آن حدود ۵۰ روحانی سعودی بیانیه سرگشاده درخواست جهاد علیه مسکو را امضا کردند. در نتیجه، احتیاط روسیه در توسعه همکاری با تهران نیز ممکن است تلاشی برای بهبود چهره مسکو در جهان سنی باشد (Kozhanov, 2017: 121).

در منازعه سوریه، بازیگران و کنشگران متعددی وجود دارند که هر کدام منافع و مطلوبیت های متفاوتی دارند. روسیه در راستای تمایل برای مدیریت تحولات سوریه، سطحی از همکاری را با همه بازیگران از جمله کشورهای عربی، ترکیه و اسرائیل برقرار کرده است. مسکو نمی خواهد به عنوان یک قدرت طرفدار شیعه ظاهر شود و در نتیجه روابط خود را با دیگر بازیگران مهم سنی در منطقه از جمله عربستان سعودی یا مصر به خطر می اندازد (Pieper, 2019: 375). اگرچه ایران ممکن است در حال حاضر برجسته ترین شریک روسیه در خاورمیانه باشد، اما تنها یکی از چندین شریک بالقوه و واقعی است. روسیه مشتاق حفظ یک رابطه مثبت با رقبای منطقه ای ایران نیز هست مانند اسرائیل، عربستان سعودی و مصر که برخی از آنها قدرت نفوذ قابل توجهی در مقابل مسکو دارند. عربستان سعودی نقش مهمی در تعیین قیمت نفت دارد از طرف دیگر وخامت روابط ریاض با واشینگتن، ریاض را مجبور کرده تا مسکو را به عنوان یک شریک بالقوه ببیند. نشانه ای از بهبود روابط را می توان در صندوق سرمایه گذاری مستقیم روسیه (RDIF) و صندوق سرمایه گذاری عمومی عربستان سعودی مشاهده کرد که عربستان سعودی ۱۰ میلیارد دلار در پروژه های روسیه سرمایه گذاری خواهد کرد (Unnikrishnan & Purushothaman, 2017: 255). روسیه علاوه بر تلاش برای فهم دغدغه های امنیتی اسرائیل نسبت به ایران و عدم واکنش جدی نسبت به حملات موشکی اسرائیل به خاک سوریه، روابط خود با ترکیه را نیز ارتقا داده است. طراحی و پیشبرد ساز و کار آستانه و نرمش مقابل ترکیه در مواجهه با سیاست های این کشور در سوریه از جمله اجرای عملیات در شمال سوریه و تلاش برای ایجاد منطقه حائل در شرق فرات، در این راستا قابل ارزیابی است (وفایی فرد و طالبی، ۱۳۹۸: ۱۱۰).

یکی از مهم ترین چالش های روابط ایران و روسیه در تحولات سوریه، نحوه تعامل روسیه با رژیم صهیونیستی بوده است. از زمان به قدرت رسیدن پوتین، روسیه و رژیم صهیونیستی روابط دوستانه و نزدیکی را توسعه داده اند. علاوه بر روابط دولت با دولت، یک ارتباط اجتماعی قوی بین دو کشور در

نتیجه مهاجرت بیش از یک میلیون شهروند روسی به اسرائیل و تعداد زیادی از گردشگران روسی که هر ساله از اسرائیل بازدید می‌کنند، وجود دارد (از جمله بیش از ۵۵۰,۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۶) (Katz, 104: 2018). روسیه، اسرائیل را به‌عنوان پل ارتباطی بین مسکو و واشینگتن در پرتو رابطه ویژه بین اسرائیل و ایالات متحده می‌بیند. آنها همچنین روابط اقتصادی رو به رشدی دارند و تجارت دو جانبه در سال ۲۰۱۷ به ۳ میلیارد دلار رسیده است (Mason, 2019: 110). در مقابل اسرائیلی‌ها در رویارویی روسیه و اوکراین موضع بی‌طرفی گرفتند و از رای‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل در مورد قطعنامه ۲۶۲/۶۸ علیه الحاق روسیه به کریمه خودداری کردند و بی‌سر و صدا از درگیری نظامی روسیه در سوریه حمایت کردند. مقامات اسرائیلی همچنین از حمایت از تحریم‌های اصلی اعمال شده توسط ایالات متحده و اتحادیه اروپا علیه روسیه خودداری کردند (Kozhanov, 2017: 121). هرچند کنترل این روابط در سوریه برای روس‌ها با چالش مواجه شده است. از یک طرف مسکو قصد دارد به اسرائیل آزادی عمل بدهد، از سوی دیگر موضع همکاری این کشور در قبال ایران ابهاماتی را مطرح کرده است. به نظر می‌رسد که توافق ضمنی بین مسکو و تل‌آویو تحت فشار است. بزرگ‌ترین حادثه در روابط دو کشور در اواخر سپتامبر ۲۰۱۸ رخ داد که پس از آخرین حملات هوایی اسرائیل به اهداف ایرانی در شمال سوریه، یکی از موشک‌های اس-۲۰۰ سوریه به طور تصادفی یک هواپیمای شناسایی روسی ایلوشین ۲۰ (ایل-۲۰) را سرنگون کرد و همه ۵ نفر خدمه این هواپیما جان باختند. وزارت دفاع روسیه آن را تحریک عمدی اسرائیل نامید. ایگور کوناشنکوف، سخنگوی وزارت دفاع روسیه اقدامات اسرائیل را «خصمانه» توصیف کرد و اعلام کرد که این کشور حق پاسخ «مناسب» را برای خود محفوظ می‌داند که به معنای «تلافی» است. در حالی که رهبر رژیم صهیونیستی ابراز نگرانی کرد که «روسیه به معامله برای کنترل ایران و نیروهای نیابتی‌اش عمل نمی‌کند»، وزیر امور خارجه روسیه حمله نظامی اسرائیل به نیروهای تحت حمایت ایران در سوریه را «یک تحول بسیار خطرناک» خواند (Souleimanov & Abbasov, 2020: 84).

با وجود این چالش‌ها بایستی اشاره کرد که ایران همچنان مهم‌ترین شریک روسیه در خاورمیانه است. ایران می‌تواند مزیت‌هایی را به روسیه ارائه دهد که مسکو فاقد آن است: نزدیکی جغرافیایی به منطقه و قدرت نرم از نظر اشتراکات فرهنگی، زبانی، قومی و مذهبی با سوریه و خاورمیانه. این موقعیت ژئوپلیتیکی ایران را قادر می‌سازد تا بر تحولات مهم در سیاست منطقه‌ای در تمامی آن حوزه‌های استراتژیک تأثیر بگذارد. علاوه بر این، ایران از نظر پتانسیل قدرت نظامی و اقتصادی خود یکی از

برجسته‌ترین بازیگران خاورمیانه است. تهران همچنین نفوذ قابل توجهی بر اکثریت شیعه در عراق و دیگر کشورهای مهم در منطقه دارد. علاوه بر این، ایران یک متحد ارزشمند برای روسیه در اوکراین و سایر مناطق بی‌ثبات سیاسی مانند افغانستان است. از یک سو با توجه به شرایط ژئوپلیتیک پر تنش که روسیه در آن قرار دارد، اهمیت جمهوری اسلامی برای مسکو افزایش خواهد یافت. رهبر روسیه ممکن است مجبور شود به تهران اجازه دهد خلاء قدرت حاصله در سوریه را پر کند. در این راستا، تهران یک بازیگر ضروری و ضروری در شکل دادن به آینده خاورمیانه در رابطه با امور امنیتی منطقه‌ای و فرایندهای صلح خواهد بود.

نتیجه

هدف این نوشتار بررسی مولفه‌های مشارکت استراتژیک ایران و روسیه در سوریه بود. مشارکت استراتژیک به عنوان جنبه مهمی از تعامل دیپلماتیک برای تحکیم پیوندهای نزدیک با متحدان استراتژیک در نظر گرفته می‌شود. مشارکت استراتژیک دو قدرت ایران و روسیه در شرایط متغیر ساختار نظام بین‌الملل انگیزه‌های قوی نظامی و امنیتی دارد. همکاری استراتژیک ایران و روسیه در پس تحولات سوریه بیانگر تحول مهم در روابط خارجی دو کشور است. این روابط به لحاظ سطح، عمق، مولفه‌ها، ارزش‌ها و منافع دچار تغییر شده و ساختار جدیدی به خود گرفته است، به نحوی که در چارچوب الگوهای سنتی بی‌اعتمادی طرفین به هم، فرصت‌طلبی و استفاده ابزاری در سیاست خارجی، روابط میان دو کشور قابل فهم و تحلیل نیست. حضور نظامی دو کشور در سوریه علاوه بر تعمیق روابط، این دو کشور را به همکاری نظامی جدیدی علیه تهدیدات منطقه‌ای و بین‌المللی سوق داده که نمونه واضح آن را می‌توان در همکاری دو کشور در بحران اوکراین مشاهده کرد. پیچیدگی وضعیت در بحران اوکراین و سیاست ایران نسبت به آن نشان می‌دهد که چشم‌انداز روابط بین تهران و مسکو در سال‌های آینده جدی‌تر از گذشته خواهد شد. دو کشور با درک تهدید دشمن مشترکی چون آمریکا و تحریم‌های غرب در پی شکل‌گیری همکاری استراتژیک و نزدیک کردن مواضع خود به یکدیگر هستند. دو کشور از طریق این مشارکت‌های راهبردی امیدوار هستند همکاری‌های دو جانبه را تقویت کنند، جایگاه خود را در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی به دست آورند و تعادل ژئوپلیتیکی را برای روابط اغلب ضعیف خود با غرب ایجاد نماید. یافته‌ها نشان می‌دهد روسیه و ایران هر دو منافع استراتژیک مشابهی در تحولات سوریه دارند و می‌توانند اقدامات خود را هماهنگ کنند. اهداف استراتژیک مشترک در سوریه شامل حفظ دولت بشار اسد و نهادهای عمومی آن و مقابله با گروه‌های افراطی تروریستی و گسترش نهادهای

غربی به این منطقه است. ایران با هدف حفظ موقعیت منطقه‌ای خود از یک سو و مقابله با بازیگران و روندهایی که «محور مقاومت» از جمله سوریه را تهدید می‌کنند، دست به مشارکت با روسیه زده است. ایران اهداف استراتژیک مهمی در سوریه دارد: از جمله حفظ و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی، ایجاد هژمونی منطقه‌ای و کاهش قدرت عربستان سعودی، خروج ایالات متحده از خاورمیانه، مقابله با رژیم صهیونیستی، گسترش محور مقاومت منطقه‌ای و ایجاد شبکه جنبش‌های اسلامی عمدتاً شیعه از جمله حزب‌الله لبنان که به آن عمق استراتژیک و نفوذ در برابر رژیم صهیونیستی می‌دهد. اهداف استراتژیک روسیه نیز که به سوریه مربوط می‌شود شامل برقراری مجدد جایگاه روسیه به‌عنوان یک قدرت بزرگ و کاهش نفوذ جهانی ایالات متحده و ناتو است. صحنه تحولات سوریه زمینه مساعدی را برای برجستگی عینی نقاط اشتراک ایران و روسیه در قبال تحولات بین‌المللی و منطقه خاورمیانه فراهم ساخته است. از مهم‌ترین بسترهای تحقق مشارکت استراتژیک ایران و روسیه می‌توان به همسویی مواضع دو کشور در قبال بحران سوریه، همکاری نظامی دو کشور، مقابله مشترک با نفوذ غرب در منطقه، بنیادگرایی مذهبی، تروریسم و گروه‌های تروریستی اشاره کرد. می‌توان به چالش‌هایی هم از جمله اهداف متفاوت منطقه‌ای، ارتباط روسیه با تمام بازیگران منطقه‌ای از جمله رژیم صهیونیستی در این همکاری اشاره داشت.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- اسعدی، بهروز و سیدعلی منوری (۱۳۹۸)، «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید: اتحاد استراتژیک یا همسویی منافع»، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۱۲، شماره ۴.
- ۲- درآینده، روح‌الله و حمید احمدی (۱۳۹۷)، «سیاست روسیه در بحران سوریه و پیامدهای آن بر منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال یازدهم، شماره ۴۴.
- ۳- دهشیر، حسین و سیدمحمد امین‌آبادی (۱۴۰۱)، «نقش ژئوپلیتیک در تشدید بحران‌های بین‌المللی (مطالعه موردی: بحران سوریه)»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هجدهم، شماره اول.
- ۴- صادقی، سیدشمس‌الدین و سمیرا مرادی (۱۳۹۷)، «ایران پسا تحریم و چشم‌انداز ائتلاف راهبردی با روسیه»، پژوهش راهبردی سیاست، دوره ۶، شماره ۲۰.
- ۵- عزیزی، حمیدرضا و مصطفی نجفی (۱۳۹۷)، «آینده شراکت ایران و روسیه در بحران سوریه»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال نهم، شماره ۲.

- ۶- غنی، پرهام و عباسقلی عسگریان (۱۴۰۰)، «مانع‌های شکل‌گیری ائتلاف راهبردی جمهوری اسلامی ایران و روسیه؛ مطالعه موردی ائتلاف ایران و روسیه در بحران سوریه»، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۴، شماره ۱.
- ۷- موسوی، سید محمد (۱۳۹۶)، «واقع‌گرایی ساختاری و جایگاه سوریه در سیاست‌های منطقه‌ای ایران و روسیه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۴.
- ۸- نجات، سیدعلی و اصغر جعفری ولدانی (۱۳۹۲)، «بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره ۸.
- ۹- نیاکویی، سید امیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴.
- ۱۰- وفایی‌فرد، فرهاد و روح‌الله طالبی آرانی (۱۳۹۲)، «آینده روابط ایران و روسیه بر سر سوریه (همکاری یا منازعه)؟»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۴.

منابع غیر فارسی

- 1- Aghaie Joobani, Hossein & Mousavipour, Mostafa (2015) Russia, Turkey, and Iran: Moving Towards Strategic Synergy in the Middle East? Strategic Analysis, 39:2, 141-155, DOI: 10.1080/09700161.2014.1000658.
- 2- Ahmadian, Hassan (2021) Iran and the New Geopolitics of the Middle East: In Search of Equilibrium, Journal of Balkan and Near Eastern Studies, 23:3, 458-472, DOI:10.1080/19448953.2021.1888247
- 3- Antonyan, Tatev M. (2017) Russia and Iran in the Syrian Crisis: Similar Aspirations, Different Approaches, Israel Journal of Foreign Affairs, 11:3, 337-348, DOI: 10.1080/23739770.2017.1442407.
- 4- Balci, B., & Monceau, N. (Eds.). (2021). Turkey, Russia and Iran in the Middle East: Establishing a New Regional Order. Springer Nature.
- 5- Belobrov, Y. Y. (2014). Modern Russian – Iranian Relations: Challenges and Opportunities. In Russian International Affairs Council (RIAC). Working Paper. No. 14. 62.
- 6- Borshchevskaya Anna (2021). Putin's war in Syria: Russian foreign policy and the price of America's absence. New York: I.B. TAURIS.
- 7- Cafarella Jennifer and Zhou Jason (2019). Russia, Iran, and Assad: A Fragile Interdependence, Institute for the Study of War.
- 8- Divsallar, Abdolrasool (2019) The Pillars of Iranian-Russian Security Convergence, The International Spectator, 54:3, 107-122, DOI:10.1080/03932729.2019.1586147.
- 9- Dugin, A. (1997). Osnovy geopolitiki: Geopoliticheskoe Budushchee Rossii. Arktogeia
- 10- Geranmayeh, E., & Liik, K. (2016). The new power couple: Russia and Iran in the Middle East. European Council on Foreign Relations.
- 11- Grevi, Giovanni (2010) 'Making EU strategic partnerships effective', FRIDE Working Paper105, 1-21
- 12- GÜNEYLİOĞLU, M. (2023). The Russia-Iran Alignment in the Middle East: The Main Dynamics and Limits of the Bilateral Security Cooperation. Akdeniz İİBF Dergisi, 23(1), 50-62.
- 13- Hinnebusch, R.; Ehteshami, A. (2011). The Foreign Policies of Middle East States. (Ghahramanpour R. Masah M. Trans) Tehran: Imam Sadegh University.

- 14- Holslag, Jonathan (2011) 'The elusive axis: assessing the EU-China strategic partnership', *Journal of Common Market Studies*, 49:2, 293-313
- 15- Kam Ephraim and Magen Zvi (2017). Russia Stations Fighter Jets in Iran for Use in Syria, *INSS Insight No. 847*.
- 16- Karami Jahangir (2022). "Iran-Russia Relations: New Opportunities and Existing Problems." *Quaestio Rossica* 10, no. 4.
- 17- Katz, Mark N. (2018). Russia and Israel: an improbable friendship, *European Union Institute for Security Studies (EUISS)*.
- 18- Kozhanov, N. (2017). Russian-Iranian relations through the prism of the Syrian Crisis. *Insight Turkey*, 19(4), 105-124.
- 19- Magen Zvi, Dekel Udi, and Fainberg Sarah (2016). How Deep are the Cracks in the Russian-Iranian Coalition in Syria? *INSS Insight No. 783*.
- 20- Mamedova N. M. (2009). "A Communalinity of Geopolitical Interests," *bitterlemons-international* 7, no. 43. www.bitterlemons-international.org/previous.php?opt=1&id=297#1210
- 21- Mason, Robert (2019). Russia in Syria: an unequivocal Return to the Middle east? *Middle east Policy*, Vol. XXV, No. 4.
- 22- Michalski Anna (2019). Diplomacy in a Changing World Order the Role of Strategic Partnerships, *The Swedish Institute of International Affairs | UI.SE*.
- 23- Pieper, Moritz (2019) 'Rising Power' Status and the Evolution of International Order: Conceptualising Russia's Syria Policies, *Europe-Asia Studies*, 71:3, 365-387, DOI:10.1080/09668136.2019.1575950
- 24- Renard, Thomas (2012) 'The EU Strategic Partnerships Review: Ten Guiding Principles', *ESPO Policy Brief*.
- 25- Rodkiewicz, W. (2019). Russia vis-à-vis Iran. *OSW Commentary*. No. 292, January 30. Retrieved from: https://www.osw.waw.pl/sites/default/files/commentary_292.pdf
- 26- Sanaei Mehdi, and Karami Jahangir (2021). "Iran's Eastern Policy: Potentials and Challenges." *Russia in Global Affairs* 19, no. 3.
- 27- Sazhin, V. (2016). Iran-Russia Strategic Partnership at the New Stage: What Could We Propose to Each Other? In Igor Ivanov (Ed.), *Russia-Iran Partnership: An Overview and Prospects* (pp. 9-21). *RIAC Report*, No 29. Retrieved from: <https://russiancouncil.ru/upload/RIAC-IRAS-Russia-Iran-Report29-en.pdf>
- 28- Shafei G.: Iranian pessimism towards Russia is one of the reasons hindering further economic cooperation. *IRAS*, May 4, 2016. URL
- 29- Souleimanov Emil Aslan and Dzutsati Valery (2018) *Russia s syRia WaR: a stRategic tRap?* *Middle east Policy*, Vol. XXV, No. 2.
- 30- Tarock Adam, "Iran and Russia in 'Strategic Alliance,'" *Third World Quarterly* 18, no. 2 (June1997): 207–23.doi:10.1080/01436599714911.
- 31- Tyushka, A., & Czechowska, L. (۲۰۱۹). Strategic partnerships, international politics and IR theory. In *States, international organizations and strategic partnerships*, Edward Elgar Publishing.
- 32- Unnikrishnan, Nandan & Purushothaman Uma (2017). Russia in Middle East. *India Quarterly*, Vol. 73, No. 2. pp. 251-258.
- 33- Vahl, Marius (2001) 'Just good friends? The EU-Russian 'strategic partnership' and thenorthern dimension', *CEPS working document* 166, 1–55
- 34- Wilkins, Thomas S (2012) "'Alignment", not "alliance"—the shifting paradigm ofinternational security cooperation: toward a conceptual taxonomy of alignment', *Review of international studies*, 38: 53-76

- 35- Wilkins, Thomas S. (2008) 'Russo-Chinese Strategic Partnership: A New Form of Security Cooperation?', Contemporary Security Policy, 29:2.
- 36- Zanatta, L. Dugin (2022) Iran, and the EAEU: Understanding Russian-Iranian Relations Under a Neo-Eurasianist Perspective. Regional Integration in EURASIA, 37.

